با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

آسفالت ورودی جاده خرم‌آباد نیازمند مرمت است

آسفالت ورودی جاده خرم‌آباد از سمت خوزستان وضعیت اسفباری دارد و می‌شود گفت که کاملا از بین رفته است. از مسئولان راهداری تقاضا داریم تا هر چه زودتر نسبت به مرمت آن اقدام کنند.

خدابنده‌لو از خرم‌آباد

قاعده استفاده از بیمه در بیمارستان‌های خصوصی مشخص نیست

در بیمارستان‌های خصوصی جدای اینکه بیمه شما مورد قبول است یا نه باید پرس و جو کنید که پزشک معالج با بیمه شما کار می‌کند یا خیر! این دیگر چه مدلی است؟ تصور کنید شما به بیمارستان طرف قرارداد بیمه مراجعه می‌کنید و درمان‌تان شروع می‌شود اما پزشک معالج‌تان هزینه‌های درمان را خصوصی می‌گیرد زیرا با بیمه شما قرارداد ندارد. آیا نباید در این خصوص ابتدای مراجعه اطلاع‌رسانی کافی شود؟

آریازند از تهران

خانه بهداشت شهرک خانه اصفهان دایر شود

ساختمان خانه بهداشت امام سجاد(ع) در شهرک خانه اصفهان واقع در خیابان گلستانه نبش چهارراه بنفشه مدت‌هاست به حال خود رها شده است. از مسئولان وزارت بهداشت تقاضا داریم این خانه بهداشت را بازسازی کرده و به چرخه خدمت بازگردانند.

محمود از اصفهان

کارگاه‌های کوچک تاب افزایش حقوق‌های اعلام‌شده را ندارند

مالک یک کارگاه کوچک با ۸نفر کارگر هستم که به سختی توانستم امسال را بدون سود و سر به سر به پایان برسانم. با ارقام اعلام شده توان حفظ کارگرانم را نخواهم داشت و قطعا کارگاه‌های بسیاری همانند کارگاه ما هستند. قبل از بیکار شدن یا گرانی به واسطه افزایش حقوق‌ها مسئولان فکری عاجل بکنند.

سلمان‌زاده از تهران

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

کارت جدید سوخت نیامد، بنزین آزاد می‌زنم

مدتی قبل کارت سوختم مفقود شد و ماه‌هاست که تقاضای کارت جدید کرده‌ام ولی تاکنون کارتی به‌دست من نرسیده است. تمام این مدت هزینه بنزین ماشینم را با نرخ آزاد پرداخت کرده‌ام. چرا شرکت پخش فرآورده‌های نفتی، بموقع کارت جدید را صادر و ارائه نمی‌کند تا افرادی مثل من متحمل هزینه‌های بالا نشوند؟

محمدی از مهرشهر کرج

بیمه‌های تکمیلی هزینه‌ها درمان را نصفه و نیمه می‌دهند

بیمه‌های تکمیلی هزینه‌های درمان را یا با تأخیر می‌پردازند یا ناقص یا اصلا نمی‌پردازند. این در حالی است که بیمه‌ها پول‌های بیمه را قبلا گرفته‌اند و بعد کد بیمه داده‌اند. اگر در مواقع بیماری هزینه‌های بیمار را نپردازند چه زمانی قرار است از بیمار حمایت کنند؟

افشار از تهران

چرا بانک‌ها برای ارسال پیامک سلیقه‌ای عمل می‌کنند؟

برخی بانک‌ها برای تراکنش‌های زیر ۳۰هزار تومان پیامک نمی‌فرستند. شاید یک مشتری به هر دلیلی بخواهد سابقه تراکنش‌های مالی خودش را ذخیره کند. بانک‌ها موظف هستند که برای هر میزان جابه‌جایی پول، مشتری خود را در جریان بگذارند.

حیدری از هشتگرد

جریمه پزشکان متخلف بازدارنده نیست

از مقامات محترم تقاضا می‌کنیم پزشکانی که آگاهانه یا ناآگاهانه با جان مردم بازی می‌کنند را از جامعه پزشکان برکنار کنند، نه اینکه با جریمه نقدی دوباره آنها را برای ادامه تخلفات همراهی کنند.

امیرمهدی صاحب روضات بروجن

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پله برقی پل عابر «دروازه دولت» از کار افتاده است

از بهمن‌ماه تاکنون پله برقی پل عابر پیاده دروازه دولت، کار نمی‌کند. پیگیری از شهرداری و سامانه‌های ۱۳۷ و ۱۸۸۰ هم تاکنون بی‌نتیجه بوده است. این تنها پل عابر پیاده این منطقه با پله برقی است و غیرقابل استفاده بودن آن اهالی و به‌خصوص سالمندان را به دردسر انداخته است. از مسئولین تقاضای رسیدگی داریم.

ریماز از تهران

اعتماد به آگهی، مشکل‌ساز شده است

چند وقت پیش از طریق یک آگهی تقاضای وانت برای حمل بار به شهرستان کردم. طبق توافق می‌بایست مبلغ ۱میلیون تومان درصورت رسیدن بار به مقصد توسط من پرداخت می‌شد. بعد از رسیدن بار به مقصد راننده تقاضای ۲۰۰هزار تومان جهت کارگر و ۳۰۰هزار تومان اضافه برای حمل بار کرد! من به ناچار و بعد از کشمکش بسیار این مبالغ را پرداختم که البته نه رسیدی دریافت کردم و نه بار نامه‌ای! هرچه با شماره درج شده در آگهی تماس می‌گیرم یا جواب نمی‌دهند و یا پاسخ‌های نامربوط می‌دهند. مانده‌ام حق خود را از کجا بگیرم و اینکه چطور می‌شود به آگهی‌ها اعتماد کرد؟

مستعد از تهران

بلاتکلیفی جانبازی بعد از ۳۵ سال

خواهر من زمانی که ۳ساله بود بر اثر بمباران هوایی و شکستن دیوار صوتی بر فراز اندیمشک دچار آسیب‌های فراوان از جمله سوختگی شدید و منجر به ناکارآمدی حرکت دست و پا شد. سال‌هاست پرونده جانبازی وی تکمیل است ولی متأسفانه هنوز بلاتکلیف است.

سلیمی از اندیمشک

ردپای عادل کلاه‌کج در صندوق خانگی با ۱۲۵۴شاکی

جزئیات کلاهبرداری فوتبالیست قدیمی

گزارش

دستور قضایی دادستان عمومی و انقلاب شهرستان رامهرمز برای انتشار تصویر ۶نفر از جمله بازیکن سابق پرسپولیس به اتهام کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی جنجال زیادی در رسانه‌ها به پا کرد.

به گزارش همشهری، روز گذشته خبری به نقل از روابط عمومی دادگستری استان خوزستان در رسانه‌ها منتشر شد که حکایت از دستور بازداشت ۶نفر از جمله عادل کلاه‌کج، بازیکن سابق پرسپولیس به اتهام کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی داشت. در این دستور قضایی که از سوی دادستان عمومی و انقلاب شهرستان رامهرمز صادر شد، آمده است: به‌منظور ضرورت تسریع در دستگیری متهمین یک پرونده کثیرالشاکی با موضوع تشکیل شبکه چند نفری کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی کشور تصاویر ۶ متهم پرونده با دستور قضایی جهت شناسایی و اعلام شکایت منتشر می‌شود. همچنین در تشریح جزئیات این پرونده آمده است: به موجب پرونده مطروحه در شعبه دوم بازپرسی شهرستان رامهرمز ۶نفر در یک پرونده متهم به تشکیل شبکه چند نفری کلاهبرداری با ۱۲۵۴ شاکی و اخلال در نظام اقتصادی کشور هستند و با توجه به ادله و مستندات موجود اتهام آنها محرز و نظر به صدور ابلاغیه و همچنین صدور دستورات جلب و نیابت قضایی، متواری بودن نامبردگان محرز شده است. به همین دلیل از هموطنان درخواست می‌شود درصورت شناسایی یا داشتن اطلاعاتی از متهمان این پرونده به نام‌های مصطفی قلندری، آیناز قلندری، آنا قلندری، سولماز قلندری، عادل کلاه‌کج (بازیکن سابق فوتبال) و عبدالله کلاه‌کج، به دادستانی عمومی و انقلاب شهرستان رامهرمز و شعبه دوم بازپرسی دادسرای مذکور مراجعه کنند.

تصویر متهمان با مجوز قضایی منتشر می‌شود

صندوق خانگی

همزمان با انتشار این خبر شبکه‌های اجتماعی پر شد از گمانه‌زنی‌ها درباره نقش این بازیکن سابق فوتبال در این پرونده کلاهبرداری. پیگیری‌های خبرنگار همشهری از این حکایت دارد که ماجرای این پرونده به فعالیت گسترده صندوق‌های وام خانگی در رامهرمز ارتباط دارد. صندوق‌های وام خانگی از سال ۱۳۹۲ به‌صورت محدود در رامهرمز رایج شد اما از سال ۱۳۹۸ روند سپرده‌گذاری و اعطای وام در این صندوق‌ها تغییر کرد. اگرچه تا پیش از آن صندوق‌ها غالبا فامیلی بود و از طریق قرعه‌کشی وام به اعضا تعلق می‌گرفت اما با ورود افراد فرصت‌طلب به این ماجرا، شگرد تازه‌ای برای فعالیت صندوق‌ها ابداع شد. در سال ۹۸ بود که صندوق‌هایی در رامهرمز مشغول به فعالیت شدند که تقریبا به‌صورت هرمی عمل می‌کردند. به این شکل که متقاضیان وام باید مبلغی پول به‌عنوان پیش پرداخت اقساط وام به صاحبان صندوق‌های خانگی می‌سپردند. مثلا با پرداخت ۱۰میلیون تومان و ماهانه یک میلیون تومان می‌توانستند بعد از گذشت ۶ماه وام ۵۰میلیون تومانی یا با مبلغی بالاتر بدون سود دریافت کنند. حال آنکه این صندوق‌ها لیدرهایی داشتند که به‌صورت تقریبا هرمی اقدام به عضوگیری و سرمایه‌گذاری می‌کردند. متضرر شدن هزاران نفر طی چند ماه از این صندوق‌ها باعث شد که در سال ۹۹ تعداد ۴۲ صندوق‌دار در رامهرمز توسط دستگاه‌های مختلف شناسایی شوند و حساب همه آنان مسدود شود تا مبالغی که افراد در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند و وامی دریافت نکرده بودند، به آنها بازگردانده شود. یکی از این صندوق‌دارهای غیرمجاز، آیناز قلندری بود که به‌رغم دریافت پول از دست‌کم ۱۲۵۴ نفر، نتوانسته بود وام آنها را پرداخت کند. البته اشخاصی هم تحت عنوان لیدر در این صندوق مشارکت داشتند که همگی این افراد با شکایت شاکیان تحت تعقیب قرار گرفتند و از آنجا که فراری بودند، حکم جلب آنها صادر شده و به همین دلیل دادستان عمومی و انقلاب رامهرمز از مردم خواسته درصورت داشتن اطلاعاتی از آنها، مرجع قضایی را در جریان قرار دهند. اما به رغم دستور دادستان، روز گذشته عادل کلاه‌کج در صفحه اینستاگرام خود نوشت: من الان چندین ماه است که درگیری این پرونده هستم که به من هیچ ارتباطی نداشت و به شدت تکذیب می‌کنم. من سالم زندگی کردم و می‌کنم.

ماموران پلیس امانتدار کیف طلا

۲مامور پلیس پس از پیدا کردن کیف حاوی ۴۰۰میلیون تومان طلا در یکی از پارک‌های شهرستان گچساران، آن را به صاحبش بازگرداندند. به گزارش پلیس، سرپرست فرمانده انتظامی شهرستان گچساران در استان کهگیلویه و بویراحمد با بیان این خبر گفت: ۲نفر از کارکنان معاونت بازرسی شهرستان گچساران، ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۱۱ فروردین در حال گشتزنی و سرکشی از یگان‌های انتظامی مستقر در یکی از پارک‌های شهر بودند که تعداد زیادی از مسافران نوروزی در آن درحال استراحت و تفریح بودند. آنها هنگام سرکشی یک عدد کیف حاوی مقدار زیادی طلا، ساعت طلا، چندین کارت بانکی، مدارک هویتی و وجه نقد بود را پیدا و به یگان انتظامی منتقل کردند. سرهنگ ارسلان خادمیان، مأموران با پیگیری از طریق مدارک هویتی داخل کیف موفق به شناسایی مالک آن شدند و پس از اطمینان، کیف و اموال کشف شده را به‌صورت صحیح و کامل به صاحب آن تحویل دادند. سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان گچساران با بیان اینکه ارزش اموال پیداشده بالغ بر ۴۰۰میلیون تومان طلا و ۲میلیون و ۴۵۰هزار تومان وجه نقد بود، ضمن تشکر از مأموران وظیفه‌شناس و درستکار از مردم خواست؛ در حفاظت از اموال خود دقت بیشتری کنند و از حمل مقدار زیاد وجه نقد و اشیای قیمتی با خود اجتناب ورزند.

مادر قائمشهری، نخستین اهداکننده عضو قرن

داخلی

اعضای بدن زنی که به‌دلیل سکته دچار مرگ مغزی شده بود با موافقت اعضای خانواده‌اش، به بیماران نیازمند اهدا شد تا او نخستین اهداکننده عضو در قرن جدید باشد.

به گزارش همشهری، این زن ۴۹ساله که منصوره رحمانی نام داشت و ساکن قائمشهر بود، از چندین ماه قبل دچار عفونت و مشکلاتی در مغز شد. از همان زمان با بستری شدن اش در بخش مراقبت‌های ویژه، تلاش‌ها برای مداوای او آغاز شد. پس از هفته‌ها تلاش کادر پزشکی، این زن وضعیت مطلوبی به دست آورد و با بالا رفتن سطح هوشیاری‌اش از بیمارستان مرخص شد. هرچند زندگی این زن مثل گذشته نبود اما همسر و ۲ فرزندش از اینکه مادر خانواده را کنار خود می‌دیدند خوشحال بودند. دختر ۲۱ساله منصوره با اینکه سن و تجربه چندانی نداشت اما پرستاری از مادر را در خانه برعهده گرفته بود. او می‌دانست که خانواده در شرایط سختی قرار دارد و باید برای مداوای مادرش تلاش بیشتری کند.

چند ماه گذشت تا اینکه سر این زن به شکلی غیرعادی دچار تورم شد. هرچه می‌گذشت سر او بزرگ‌تر می‌شد و وقتی برای بررسی به بیمارستان انتقال یافت پزشکان اعلام کردند که افزایش مایع مغزی، باعث بزرگ شدن سرش شده است. این در حالی بود که سطح هوشیاری او نیز روبه کاهش بود. شرایط این زن روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شد تا اینکه سرانجام روز ۲۸ اسفند ماه سال گذشته وقتی دخترش بالای سر او رفت دید که او هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد. او سراسیمه با اورژانس تماس گرفت و دقایقی بعد با انتقال زن جوان به بیمارستان مشخص شد که او سکته مغزی و قلبی کرده و در شرایط وخیمی به سر می‌برد. او دچار خونریزی شدیدی در مغز شده بود و آنطور که پزشکان می‌گفتند دیگر امیدی برای بازگشت به زندگی وجود نداشت. در این شرایط بود که آنها این ماجرا را با خانواده زن جوان در میان گذاشتند. دختر جوان این بیمار مرگ مغزی، درباره روز و شب‌های سختی که در بیمارستان کنار مادرش گذرانده به همشهری می‌گوید: با چشمان خودم ذره ذره آب شدن مادرم را دیدم. از همان زمانی که مشکلات او بیشتر شد پزشکان اعلام کردند که ممکن است دچار مرگ مغزی شود و ما برای شنیدن هر خبری آماده بودیم. از طرفی در این مدت درباره اهدای عضو هم فکر کرده بودیم. به همین دلیل وقتی خبر دادند که مادرم دچار مرگ مغزی شده، شوکه نشدیم و خیلی زود جواب آنها را دادیم. دختر جوان ادامه می‌دهد: پدرم گفت هر تصمیمی که تو بگیری همان کار را می‌کنیم. برادر ۱۳ساله ام هم همین را گفت و من هم تصمیم گرفتم اعضای بدن مادرم را به بیماران نیازمند اهدا کنیم. پزشکان گفتند اگر شما نخواهید این کار را انجام نمی‌دهیم اما اگر همین شرایط برای او در بخش مراقبت‌های ویژه ادامه پیدا کند او با زجر بیشتری دنیا را ترک می‌کند. مادرم به چیزی احتیاج داشت که کسی نمی‌توانست برآورده کند. مغز او به‌دلیل خونریزی شدید تقریبا از بین رفته بود. دیدن وضعیت مادرم و سختی که او می‌کشید برایم سخت بود. به همین دلیل

رضایتنامه را امضا کردم. چون می‌دانستم با این کار امیدهای چندین بیمار دیگر و خانواده‌های‌شان برای زندگی بیشتر می‌شود و نجات پیدا می‌کنند. او درباره روند جداسازی و اهدای اعضای بدن مادرش می‌گوید: بعد از آنکه رضایت دادیم، مادرم به تهران منتقل شد و در آنجا ۲کلیه و کبدش جداسازی و به بیماران نیازمند اهدا شد. این کار درست در روز اول فروردین سال ۱۴۰۱ انجام شد و مادرم نخستین نفری بود که اعضای بدنش به بیماران نیازمند پیوند زده شد. در ادامه پیکر مادرم به قائمشهر بازگردانده شد و روز دوم فروردین او را در روستای‌مان به خاک سپردیم. حالا با اینکه جای مادرم در خانه‌مان بیشتر از همیشه خالی است اما من خیلی راحتم و خوشحالم که با اهدای اعضای بدن مادرم، او برای همیشه زنده است.

بازداشت پدر در پرونده مرگ اسرار آمیز پسربچه

جنایی

«پسر خردسالم بطری شربت متادون را به جای آب سر کشید و بعد از چند ساعت حالش بد شد و جان باخت». این گفته‌های پدری معتاد است که در پرونده مرگ مرموز پسر ۳,۵ساله‌اش بازداشت شده است.

به گزارش همشهری، ساعت ۲۳:۳۰ یکشنبه چهاردهم فروردین ماه به قاضی محمد تقی شعبانی بازپرس ویژه قتل پایتخت خبر رسید که پسری خردسال به طرز مشکوکی جان باخته است.

پسربچه توسط خانواده‌اش به درمانگاهی در جنوب پایتخت منتقل شده بود و در این شرایط بازپرس جنایی به همراه تیمی از مأموران تجسس پلیس آگاهی تهران راهی درمانگاه شدند.

آنطور که مسئولان درمانگاه می‌گفتند پسربچه ۳سال و نیمه بود و درحالی که علائم حیاتی نداشت توسط مادرش به درمانگاه منتقل شده بود. با وجود این تیم پزشکی برای نجات او وارد عمل شد اما وی جان باخت. اولین فردی که تیم جنایی به تحقیق از او در درمانگاه پرداخت مادر پسربچه بود. او درباره مرگ پسرش گفت: شب حادثه همسرم هر دو پسرمان را برای تفریح به پارک برد و چند ساعت بعد برگشتند. پس از آن شوهرم برای انجام کاری از خانه خارج شد و رفت. او نان خریده بود و پسر کوچکم اصرار کرد تکه‌ای نان به او بدهم. وی تکه نان را خورد و ناگهان حالش بد شد. استفراغ کرد و بعد از هوش رفت. من که به‌شدت ترسیده بودم بچه را بغل کردم و به سمت درمانگاهی که در نزدیکی خانه‌مان بود دویدم. اما پسرم زنده نماند و من به‌شدت از مرگ او شوکه شده‌ام و نمی‌دانم چه بلایی برسرش آمده است. ماموران در ادامه به سراغ پدر پسربچه رفتند. او هم مدعی بود که علت مرگ پسرش را نمی‌داند. وی گفت که پسرانش را به پارک برده و بعد سر راه نان خریده و به خانه بازگشته است و نمی‌داند چه اتفاقی برای پسر کوچکش افتاده است. در ادامه تحقیقات پزشکان علت اولیه مرگ پسربچه را مسمومیت اعلام کردند. ماجرای مرگ پسربچه مشکوک به‌نظر می‌رسید تا اینکه با انجام تحقیقات بیشتر معلوم شد که پدر او اعتیاد دارد. همین کافی بود تا وی بار دیگر پای میز بازجویی بنشیند. او این بار اسرار مرگ کودکش را فاش کرد و گفت: چند سال قبل به دام اعتیاد گرفتار شدم و این اواخر شربت متادون مصرف می‌کردم. روز حادثه پسرانم را که ۵ساله و ۳ و نیم ساله هستند با خودم به پارک بردم. آنها حدود یک ساعت در پارک بازی کردند و بعد

صدایشان کردم تا به خانه برگردیم. سر راه هم شربت متادون خریدم و آن را درون بطری آب معدنی ریختم و زیر صندلی قرار دادم.

وی ادامه داد: پسر ۵ساله‌ام در صندلی عقب و پسر ۳سال و نیمه‌ام در صندلی جلو نشسته بودند. در راه بازگشت به خانه کنار یک نانوایی توقف کردم و نان خریدم. وقتی برگشتم پسر کوچکم گفت تشنه شده و از بطری، آب نوشیده است اما احساس سوزش گلو دارد. من آن لحظه اصلا متوجه نشدم که پسرم شربت متادون را با تصور اینکه آب معدنی است سر کشیده است. فکر می‌کردم از بطری دیگری آب نوشیده است اما وقتی آنها را به خانه رساندم و برای انجام کاری بیرون رفتم همسرم سراسیمه به من زنگ زد و گفت حال پسرمان بد شده است. آن لحظه هم متوجه نشدم که او شربت متادون را به جای آب مصرف کرده اما وقتی بطری را نیمه پر در ماشین پیدا کردم فهمیدم که او شربت متادون مصرف کرده و حالش خراب شده است. تحقیق از پدر کافی بود تا بازپرس جنایی تهران دستور بازداشت او را صادر کند و حالا بررسی‌ها درباره اینکه وی در این حادثه سهل‌انگاری کرده یا اینکه عمدا باعث شده که پسرش از بطری شربت متادون بنوشد ادامه دارد.

سرقت با غذای مسموم

پلیس پایتخت در تعقیب سارقی است که با غذای مسموم راننده‌ای را بیهوش کرد تا ماشینش را سرقت کند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل رهگذرانی که از خیابانی در جنوب پایتخت عبور می‌کردند چشمشان به مردی افتاد که بیهوش روی زمین افتاده بود. آنها اورژانس را خبر کردند و مرد برای درمان به یکی از بیمارستان‌های تهران انتقال یافت. او پس از گذشت ۴۸ساعت به هوش آمد و وقتی خود را در بیمارستان دید تازه متوجه شد که چه اتفاقی برایش افتاده است. وی گفت که مرد غریبه‌ای او را فریب داده و پس از بیهوش کردن او، ماشین پرایدش را به همراه پول و مدارکی که داشته سرقت کرده است. در این شرایط مسئولان بیمارستان پلیس را خبر کردند که با حضور مأموران تحقیق از مرد که همچنان روی تخت بیمارستان بود شروع شد. وی در توضیح ماجرا گفت: من اهل شهر اراک هستم و با ماشینم مسافرکشی می‌کنم. آخرین بار مردی جوان از من خواست تا به‌صورت دربست او را به تهران برسانم. من هم قبول کردم بی‌آنکه بدانم او نقشه سرقت در سر دارد. وی ادامه داد: در بین راه مسافر جوان سر صحبت را با من باز کرد و در طول مسیر با حرف‌هایش سعی داشت اعتماد مرا به‌خودش جلب کند. تا اینکه بعد از چند ساعت به تهران رسیدم. در یکی از خیابان‌های جنوب تهران بودیم که مسافر جوان از من خواست تا مقابل یک رستوران توقف کنم. چون از صبح در جاده در حال رانندگی بودم مسافر جوان اصرار کرد تا برای خودش و من غذا بخرد. او ۲ پرس غذا خرید و برگشت. من هم از ماشین پیاده و بعد از خوردن غذا دچار سرگیجه شدیدی شدم. دیگر چیزی به‌خاطر ندارم و وقتی چشمانم را باز کردم متوجه شدم که ۲ روز بیهوش و در بیمارستان تحت درمان بودم. آنجا بود که فهمیدم مسافر فریبکار با غذای مسموم مرا بیهوش کرده تا ماشین و اموالی که داخل آن بود را سرقت کند. اما بخت با من یار بود که زنده ماندم و به زندگی بازگشتم. با مشخص شدن حقایق ماجرا، مشخصات خودروی شاکی در اختیار همه واحدهای گشتی قرار گرفت و تحقیقات برای شناسایی متهم با دستور دادیار شعبه چهارم دادیاری دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد تا با توجه به سرنخ‌های موجود هرچه زودتر دستگیر شود.

کوتاه از حادثه

پایان فرار سارقان گروگانگیر

۲ سارق که در پوشش مسافرکشی، زنی را با تهدید چاقو ربوده و طلاهایش را سرقت کرده بودند دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای پایانی سال گذشته زنی جوان درحالی که آثار جراحت روی دست و گردنش وجود داشت به اداره پلیس رفت و گفت در دام ۲ سارق خشن گرفتار شده است. وی در توضیح ماجرا گفت: برای خرید عید به یکی از خیابان‌های شرق تهران رفته بودم و وقتی هوارو به تاریکی رفت کنار خیابان ایستادم تا سوار خودروی مسافرکش شوم و به خانه برگردم. یک خودروی پژو مقابل پایم ترمز کرد و وقتی مسیرم را گفتم سرش را به نشانه تأیید تکان داد و من سوار شدم. گمان می‌کردم راننده پژو مسافرکش است چرا که کمی جلوتر برای پسری جوان که به‌نظر می‌رسید مسافر است بوق زد و او هم سوار ماشین شد. اما هنوز مسافت زیادی نرفته بودیم که آن پسر جوان چاقویی زیر گلویم قرار داد و من که تا چند دقیقه قبل تصور می‌کردم او مسافر است شوکه شدم. او که با راننده همدست بود با تهدید از من خواست تا طلاهایم را در اختیارشان قرار بدهم. آنها تهدید می‌کردند که اگر مقاومت کنم و سر و صدا کنم با ضربات چاقو جانم را می‌گیرند و جسدم را در حاشیه تهران رها می‌کنند. وی ادامه داد: درحالی که مرا گروگان گرفته بودند به سمت بزرگراهی در شرق تهران رفتند و بعد با زور تمام طلاهایم را از دست و گردن و گوشم خارج کردند. آنها به‌شدت خشن بودند به‌طوری که هنگام سرقت طلاهایم به‌شدت زخمی شدم. آنها پس از سرقت طلاها و تمام خریدهایم مرا در بزرگراه به بیرون از ماشین پرتاب کردند و متواری شدند.

با این شکایت، پرونده‌ای تشکیل شد و مأموران اداره آگاهی تهران با دستور قاضی عظیم سهرابی بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران تحقیقات خود را برای بازداشت سارقان خشن آغاز کردند. ماموران با توجه به چهره نگاری متهم از سوی زن جوان و بررسی شماره پلاک خودرو و سرنخ‌های موجود متهمان را شناسایی و دستگیر کردند. هردو سابقه سرقت داشتند و پیش از این بارها زندان را تجربه کرده بودند. سارقان گروگانگیر در بازجویی‌ها به سرقت طلاهای طعمه خود اقرار کردند. یکی از آنها گفت: با دوستم سوار بر ماشین شده و در حال چرخیدن در خیابان‌ها بودیم که چشممان به زن جوان افتاد. او کنار خیابان ایستاده و منتظر ماشین بود. وقتی برق طلاهایش را دیدیم وسوسه سرقت به جانمان افتاد. زن جوان طلاهای زیادی داشت و نقشه کشیدیم تا من نقش راننده مسافرکش را بازی کنم و دوستم نقش مسافر. وی ادامه داد: نقشه مان گرفت و موفق شدیم با تهدید تمام طلاهای زن جوان را سرقت کنیم اما تصورش را نمی‌کردیم که خیلی زود لو برویم و دستگیر شویم.

اگرچه متهمان در بازجویی‌ها به یک مورد سرقت اقرار کرده‌اند اما با توجه به سوابق آنها به‌نظر می‌رسد که آنها به‌صورت سریالی، زنان را سوار بر خودرو کرده و با تهدید طلاهایشان را سرقت می‌کردند. سارقان با دستور بازپرس جنایی تهران برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفته‌اند.

سرنوشت متفاوت ۲داماد جنایتکار

۲داماد در گناوه و رضوانشهر که با همسر و خانواده همسرشان دچار اختلاف شده بودند ۲جنایت هولناک رقم زدند. در نخستین حادثه داماد جنایتکار پس از قتل همسر و مادر همسرش در درگیری با پلیس کشته شد و در دومین حادثه قاتل پس از قتل همسر و برادر او توسط مأموران دستگیر شد.

به گزارش همشهری، دقایق اولیه بامداد دیروز به مأموران انتظامی شهرستان گناوه در استان بوشهر خبر رسید که مردی در یکی از محله‌های شهر دست به جنایتی هولناک زده است. در این شرایط گروهی از مأموران در کمترین زمان ممکن خود را به محل حادثه رساندند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که عامل تیراندازی مردی ۲۳ساله است که به‌دلیل اختلاف با همسرش و خانواده او به‌سوی آنها تیراندازی کرده است. در این حادثه داماد عصبانی به‌سوی همسر ۱۶ساله، مادر ۵۱ساله و برادر او تیراندازی کرده بود که پس از انتقال آنها به بیمارستان زن جوان و مادرش جان خود را از دست دادند اما پسر جوان از مرگ نجات یافت.

داماد جنایتکار پس از این قتل از محل حادثه گریخته بود اما دقایقی بعد مأموران با اجرای طرح مهار به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد او قصد دارد از استان بوشهر خارج شود. به این ترتیب راه‌های خروجی مسدود شد و زمانی که او قصد فرار داشت در نزدیکی ایستگاه بی‌بی حکیمه شهرستان دیلم با مأموران درگیر شد و درنهایت هدف گلوله قرار گرفت و براثر شدت جراحات وارده جانش را از دست داد. سردار حیدر سوسنی، فرمانده انتظامی استان بوشهر در این‌باره گفت: قاتل با همسر و خانواده او اختلافات خانوادگی داشت که در روز حادثه نیز به همین دلیل با آنها درگیر شده بود که با شلیک اسلحه آنان را به قتل رساند. به گفته وی تحقیقات تکمیلی در این‌باره ادامه دارد.

جنایت در رضوانشهر

درست در لحظاتی که جنایت در گناوه پایان یافته بود کیلومترها آن طرف در رضوانشهر واقع در استان گیلان حادثه تلخ دیگری اتفاق افتاد. عقربه‌های ساعت ۲:۳۰ بامداد را نشان می‌داد که به مأموران پلیس خبر رسید مردی در روستای هاشم آباد هفت دغنان همسر و برادر همسرش را در خواب به قتل رسانده است. وقتی مأموران خود را به محل حادثه رساندند معلوم شد قاتل همسرش را در خواب با ضربه چاقو به قتل رسانده و در ادامه با شلیک گلوله اسلحه شکاری جان برادر او را نیز گرفته است. متهم همچنین در ادامه سراغ مادر همسرش رفته و با چاقو گوش او را نیز بریده و از آنجا گریخته بود. وقتی مأموران خود را به محل جنایت رساندند قاتل ردی از خود به جا نگذاشته بود اما شواهد نشان می‌داد که او قصد فرار از گیلان را دارد. در این شرایط بود که مأموران به کمین او نشستند و درحالی که او قصد فرار داشت در منجیل دستگیر شد.

سرهنگ سیدخلیل صفوی، فرمانده انتظامی شهرستان رضوانشهر در این‌باره گفت: قاتل در ضابر صومعه‌سرا زندگی می‌کرد و همسرش به‌دلیل اختلافات خانوادگی به منزل پدرش در هاشم‌آباد رضوانشهر رفته بود که ادامه درگیری‌ها به این جنایت منجر شد. به گفته او هم‌اکنون متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.